



قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ﴿۱۱﴾ وَأُمِرْتُ
 لِأَنْ أَكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ ﴿۱۲﴾ قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ
 رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿۱۳﴾ قُلْ اللَّهُ أَعْبُدْ مُخْلِصًا لَهُ دِينِي
 ﴿۱۴﴾ فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ
 خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَآهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ
 الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ ﴿۱۵﴾ لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِنَ النَّارِ وَ
 مِنْ تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ذَلِكَ يُخَوِّفُ اللَّهَ بِهِ عِبَادَهُ يَا عِبَادِ فَاتَّقُونِ
 ﴿۱۶﴾ وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ
 لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فَبَشِّرْ عِبَادِ ﴿۱۷﴾ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ
 فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ
 هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ ﴿۱۸﴾ أَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ
 أَفَأَنْتَ تُنقِذُ مَنْ فِي النَّارِ ﴿۱۹﴾ لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ
 لَهُمْ غُرَفٌ مِنْ فَوْقِهَا غُرَفٌ مَبْنِيَةٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا
 الْأَنْهَارُ وَعَدَّ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ ﴿۲۰﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ
 مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ
 بِهِ زَرْعًا مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيَجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَجْعَلُهُ
 حُطَامًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿۲۱﴾

بگو: «من مأمورم که خدا را - در حالی که آیینم را برای او خالص گردانیده‌ام -

پرستم. ﴿۱۱﴾

و مأمورم که نخستین کسی باشم که فرمان خدا را گردن نهاده است.﴾ ﴿۱۲﴾

بگو: «من اگر به پروردگارم عصیان ورزم، از عذاب روز بزرگ (قیامت) می‌ترسم.﴾ ﴿۱۳﴾

بگو: «من تنها خدا را می‌پرستم، در حالی که دینم را برای او خالص می‌کنم.﴾ ﴿۱۴﴾

پس هر چه را غیر او می‌خواهید پرستید؛ [ولی به آنها] بگو زیانکاران واقعی کسانی هستند که خود و بستگانشان را در روز قیامت به زیان انداخته‌اند [و موجب هلاکت

و شقاوت خود و آنها شده‌اند]، آگاه باشید که زیان آشکار همین است. ﴿۱۵﴾

برای آنان از بالای سرشان پوشش‌هایی از آتش، و در زیر بایشان نیز پوشش‌هایی از آتش است؛ این [کیفری] است که خداوند با آن، بندگان را بیم می‌دهد؛ ای بندگان

من! از نافرمانی من بپرهیزید! ﴿۱۶﴾

[اما] آنان که از پرستش طاغوت دوری گزیده و به سوی خدا باز گشته‌اند، بشارت

از آن آنهاست، پس بشارت ده به بندگان من ﴿۱۷﴾

همان‌هایی که به سخن‌ها گوش می‌دهند و بهترین آن را پیروی می‌کنند، آنان هستند

که خدا هدایتشان کرده و اینانند خردمندان ﴿۱۸﴾

آیا آن کس را که فرمان عذاب برای او قطعی شده است، می‌توانی از آتش نجات

دهی؟ ﴿۱۹﴾

ولی کسانی که تقوای الهی پیشه کردند، برای ایشان غرفه‌هایی است که بالای

آنها غرفه‌هایی [دیگر] بنا شده است [و] نهرها از زیر آن روان است. [این] وعده

خداست [و] خدا خلاف وعده نمی‌کند. ﴿۲۰﴾

آیا ندیده‌ای که خدا از آسمان، آبی فرستاد؛ پس آن را به چشمه‌هایی که در [دل] زمین

است راه داد، آنگاه به وسیله آن، کشتزاری را که رنگ‌های آن گوناگون است بیرون

می‌آورد، سپس آن کشتزار خشک می‌گردد، آنگاه آن را زرد می‌بینی، سپس خاشاکش

می‌گرداند. قطعاً در این [دگرگونی‌ها] برای صاحبان خرد عبرتی است. ﴿۲۱﴾



فقط برای او

بگو همانا نماز و عبادت‌هایم و زندگی و مرگم فقط برای خداست که پروردگار جهانیان است^۱.
در درس گذشته با سبک زندگی توحیدی و نیز آثار سوء شرک در زندگی آشنا شدیم. اکنون شایسته است بدانیم چگونه می‌توان به سوی پرستش خالصانه این خدای بی‌همتا گام نهاد و یک زندگی توحیدی را تجربه نمود و اندیشه و قلب و عمل را برای او قرار داد و آن‌گونه که خداوند می‌پسندد زندگی کرد.

۱- (قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ)، سوره انعام، آیه ۱۶۲.

خدای بی‌نیاز که جز کمال و سعادت بندگانش را نمی‌خواهد، در کلامی به پیامبر می‌فرماید:

قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَشْنَىٰ وَفُرَادَىٰ...^۱

(به بندگانت) بگو شما را فقط یک موعظه می‌کنم، [و آن] اینکه به صورت جمعی و فردی برای خدا قیام کنید...

در آیاتی دیگر می‌فرماید:

أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ * وَ أَنْ
اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ.^۲

ای فرزندان آدم، آیا از شما پیمان نگرفته بودم که شیطان را نپرستید که او دشمن آشکار شماست؟ * و اینکه مرا بپرستید [که] این راه مستقیم است؟
با تفکر در این آیات توضیح دهید که:

- ۱- مقصود از قیام جمعی و قیام فردی چیست؟ برای هر کدام نمونه‌هایی ذکر کنید.
- ۲- آیا میان عبارت «فقط مرا بپرستید» و «فقط برای خدا قیام کنید» رابطه‌ای می‌بینید؟ توضیح دهید.

قبلاً آموختیم که هدف خلقت انسان تقرب به خداست و این تقرب جز با سعی و تلاش خود انسان به دست نمی‌آید. انسان، همواره بر سر دوراهی بندگی خداوند و بندگی هوای نفس و شیطان قرار دارد و زندگی، صحنه انتخاب یکی از این دو راه است. آن کس که راه توحید را برمی‌گزیند و در پی آن اندیشه و دل و عمل خویش را برای رضای حضرت دوست قرار می‌دهد، خطراتی او را تهدید می‌کند و احتمال انحراف از توحید برای او هست. در روایتی از پیامبر اکرم ﷺ آمده است که راهیابی شرک به دل انسان از راه رفتن مورچه‌ای سیاه در شب تاریک بر تخته سنگی سیاه پنهان‌تر است.^۳ پس باید بینیم چگونه از حریم اندیشه و دل پاسبانی کنیم تا آفت شرک به آن راه نیابد و عمل ما خالص برای خداوند انجام شود.

پاسبان حرم دل شده‌ام شب همه شب
چون تو را در گذر، ای یار، نمی‌یارم دید
تا در این پرده جز اندیشه او نگذارم
با که گویم که بگوید سخنی با یارم

۱- سوره سبأ، آیه ۴۶.

۲- سوره سبأ، آیه ۶۰ و ۶۱.

۳- الدر المنثور، سیوطی، ج ۲، ص ۳۱.

دوش می‌گفت که حافظ همه‌روی است و ریا

به جز از خاک درش، با که بود بازارم^۱

اخلاص در بندگی

اخلاص به معنی خالص کردن و پاک کردن یک چیز از غیر آن است. این کلمه در کاربرد دینی بدین معناست که شخص اندیشه و دل خود را جایگاه خدا کند و عملش را فقط برای رضای خداوند و همان‌گونه که او دستور داده است، انجام دهد. در اسلام اخلاص شرط قبولی تمامی اعمالی است که فرد به درگاه خداوند عرضه می‌دارد.

اخلاص مانند دوست داشتن، سخاوت، شجاعت و هر عمل قلبی دیگر، درجات و مراتبی دارد. همان‌گونه که در ارزش‌گذاری طلا، عیار یا درصد خلوص آن اهمیت دارد، اعمال انسان نیز هرچه با اخلاص بالاتری همراه باشد، ارزش بیشتری دارد. مهم این است که انسان تلاش کند تا اندیشه و عمل خود را روز به روز برای خداوند خالص‌تر گرداند. بر همین اساس پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

«مؤمنان، با توجه به مراتب اخلاصشان، بر یکدیگر برتری پیدا می‌کنند.»^۲

در سخنی هم امام صادق علیه السلام به یکی از مراتب بالای اخلاص چنین اشاره می‌کند:

«عمل خالص آن عملی است که دوست‌نداری کسی جز خداوند به خاطر آن کار، تو را ستایش و

تمجید کند.»^۳

اخلاص دو گونه است: اخلاص در اندیشه و اخلاص در قلب.

۱- اخلاص در اندیشه

برای اینکه عمل برای خداوند خالص شود لازم است نخست اخلاص در اندیشه تحقق یابد. فردی که به خداوند اعتقاد دارد باید بکوشد فکر و اندیشه خود را در این زمینه تقویت کند به طوری که همه امور خود و عالم را به دست خدا ببیند و بداند که خداوند مدبّر و اداره‌کننده همه امور جهان است و هیچ واسطه و سببی جز به اذن و اراده او عمل نمی‌کند. این معنا، همان مفهوم مراتب توحید، بخصوص توحید در ربوبیت است که در درس‌های قبل بدان پرداختیم.

۱- غزلیات، حافظ، غزل شماره ۳۲۴.

۲- «بِإِخْلَاصِ تَنَفُّصِ مَرَاتِبِ الْمُؤْمِنِينَ» میزان الحکمه، محمدی ری شهری، ج ۱، ص ۷۵۴.

۳- «الْعَمَلُ الْخَالِصُ الَّذِي لَا تُرِيدُ أَنْ يَحْمَدَكَ عَلَيْهِ أَحَدٌ إِلَّا اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ»، کافی، کلینی، ج ۲، ص ۱۶.

۲- اخلاص در قلب

علاوه بر این، انسان باید تلاش کند آنچه را که از توحید در اندیشه و عقل خود پذیرفته است، به یک اعتقاد قلبی و درونی تبدیل کند و با آن انس قلبی برقرار نماید تا در رفتار و کردارش مؤثر باشد. زیرا، همان طور که سال‌های قبل آموختیم، برای اینکه به یک سخن درست عمل کنیم پذیرش عقلی آن کفایت نمی‌کند، بلکه آن سخن باید در قلب و دل ما نفوذ کند، یعنی قلب نیز تسلیم آن شود.^۱

بنابراین، انسان مؤمن می‌کوشد قلبش را خانه‌ی خداوند مهربان کند و تنها به او دل ببندد و با آنان که خداوند سفارش کرده است انس قلبی داشته باشد. همچنین او تلاش می‌کند نیت‌های درونی و قلبی خود را الهی کند، زیرا تا نیت و قصد قلبی انسان از انجام یک عمل خدایی نشود، آن عمل، خدایی نمی‌گردد و خالصانه نمی‌شود. به همین جهت رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ^۲ نیت مؤمن از عمل او برتر است.

و نیز به خاطر همین جایگاه مهم و ارزشمند نیت و قصد قلبی است که ایشان فرمود:

إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ^۳ همانا اعمال انسان وابسته به نیت‌های اوست.

تفکر در حدیث

امیرالمؤمنین علی عليه السلام می‌فرماید:

فَاعِلُ الْخَيْرِ، خَيْرٌ مِنْهُ؛ وَ فَاعِلُ الشَّرِّ، شَرٌّ مِنْهُ.^۴

انجام دهنده کار نیک، از آن کار بهتر است و انجام دهنده کار شر، از آن شر بدتر است.

در این سخن حکیمانه تفکر کنید و رابطه آن را با اخلاص در اندیشه و قلب توضیح دهید.

درستی و صحت عمل

انسان مؤمن، علاوه بر اینکه می‌کوشد نیت خود را خالص کند و عمل را به خاطر خدا انجام دهد، تلاش می‌کند عمل را همان گونه که خداوند دستور داده است انجام دهد. یعنی عمل را از جهت کمیت،

۱- در این باره نیز در سال‌های قبل صحبت کردیم و توضیح دادیم که مثلاً برخی می‌دانند سیگار بد است ولی به این دانسته خود پایبند نیستند علتش آن است که قلب آنها تسلیم این حقیقت نشده است و از کشیدن سیگار متنفر نیستند.

۲- اصول کافی، کلینی، ج ۲، ص ۸۴.

۳- بحارالانوار، مجلسی، ج ۶۷، ص ۲۱۱.

۴- نهج البلاغه، حکمت ۳۲.

کیفیت، زمان، مکان و شیوه همان طوری انجام دهد که خداوند می خواهد. مثلاً اگر خداوند امر فرموده که نماز صبح در دو رکعت و با یک رکوع و دو سجده در هر رکعت و قبل از طلوع آفتاب انجام شود، انسان مؤمن نیز تلاش می کند نماز خود را به همین صورت انجام دهد تا صحیح و درست انجام داده باشد.

پس در هر عملی باید دو «حُسن» موجود باشد: حُسن فاعلی و حُسن فعلی. حسن فاعلی بدین معناست که انجام دهنده کار، دارای معرفت درست و نیت الهی باشد. حسن فعلی نیز بدین معناست که کار به درستی و به همان صورت که خدا فرمان داده است انجام شود.

تطبیق

- با توجه به تعریف بالا از حُسن فاعلی و حُسن فعلی، موارد زیر را بررسی کنید:
- ۱- آیا ممکن است عملی دارای حُسن فعلی باشد اما حُسن فاعلی نداشته باشد؟ و یا برعکس، حُسن فعلی نداشته باشد ولی دارای حُسن فاعلی باشد؟ مثال بزنید.
 - ۲- اگر فردی برای لاغر شدن و یا سلامت جسم روزه بگیرد روزه اش درست است؟
 - ۳- اگر کسی به نیت نماز جماعت مسجد از منزل بیرون آید و به دلیل مانعی نتواند به مسجد برسد، آیا نزد خدا پاداش دارد؟ به چه دلیل؟ در این کار کدام یک از اقسام حُسن وجود دارد؟

بررسی

- با توجه به اینکه ریا در مقابل اخلاص قرار می گیرد، بررسی کنید که هر یک از موارد زیر مصداق ریا قرار می گیرد یا مصداق اخلاص؟
- ۱- حضور در نماز جماعت
 - ۲- پوشیدن لباس تمیز و زیبا، برای حفظ احترام خود
 - ۳- کمک به افراد نیازمند در حضور دیگران

راه های تقویت اخلاص

برای تقویت اخلاص در وجود خود راه هایی وجود دارد که چند مورد از آن را در اینجا می آوریم:

- ۱- افزایش معرفت نسبت به خداوند: پیوند محکمی میان معرفت به خداوند و ایمان به او وجود

دارد. همچنین ارتباط دقیقی میان ایمان به خدا و اخلاص برقرار است. بنابراین، هر قدر که معرفت ما به خداوند بیشتر شود به افزایش درجه اخلاص کمک خواهد کرد. پس خوب است ساعاتی را صرف تفکر در آیات و نشانه‌های الهی کنیم تا بیشتر دریابیم که :

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار
این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار^۱
البته اگر کسی گرفتار غفلت شد و چشم اندیشه را به روی جهان بست، آیات الهی را نخواهد یافت و دل به مهر او نخواهد داد.

مهر رخسار تو می‌تابد ز ذرات جهان هر دو عالم پُر ز نور و دیده نابینا، چه سود^۲

توجه به یک نکته مهم

همان‌طور که گفته شد، عمل بر اساس معرفت و آگاهی بسیار ارزشمندتر و مقدس‌تر از عملی است که در آن معرفتی نیست و یا با معرفت اندکی صورت می‌گیرد. نمازی که با معرفت انجام بگیرد، نزد خداوند بسیار ارزشمندتر از نمازی است که به‌جا آورنده آن نمی‌داند چه می‌گوید و برای چه می‌گوید. حتی گاه پیش می‌آید که انسان‌های نادان به تصور اینکه کار خیر می‌کنند، مرتکب گناهان بزرگ می‌شوند.

ذکر نمونه

در جنگ صفین، وقتی امام علی علیه السلام در آستانه پیروزی بر معاویه قرار گرفت و شکست لشکر معاویه قطعی شده بود، معاویه با پیشنهاد عمروعاص به لشکریانش دستور داد که قرآن‌ها را بر سر نیزه کنند و فریاد بزنند که ما هر دو گروه مسلمانیم و باید قرآن میان ما و شما داور باشد.

تعداد زیادی از لشکر امیرالمؤمنین علیه السلام، فریب این نیرنگ را خوردند و حاضر به بیکار با معاویه نشدند و پیروزی حتمی را از دست دادند و امام را وادار به تسلیم و سپس قرارداد صلح با معاویه کردند. این کار مسیر تاریخ اسلام را عوض کرد و سبب شد که ده‌ها سال حکومت اسلامی به دست بنی امیه بیفتد و به جای حکومت عدالت، ظالمین بر مسلمانان حاکم شوند.

در سال‌های اخیر، وقتی نهضت بیداری اسلامی در کشورهای مسلمان خاورمیانه و شمال آفریقا آغاز شد و مسلمانان برای آزادی از حکومت‌های مستبد و تابع غرب قیام کردند، سازمان‌های مخفی در آمریکا و اروپا و برخی حاکمان کشورهای اسلامی، یک جریان افراطی و انحرافی را که افکاری

۱- سعدی، مواظ، قصیده شماره ۲۵.

۲- گلشن راز، شیخ محمود شبستری.

بسیار مخرب داشتند وارد قیام مسلمانان کردند. آنان نیز توانستند بسیاری از جوانانی را که فقط تعصب دینی داشتند اما از معرفت صحیح دینی بی بهره بودند، به سوی خود جذب کنند و با استفاده از این نیروهای با انگیزه اما ناآگاه جهت مبارزه را تغییر دهند و به جای مبارزه با دشمنان به کشتن مسلمانان در جهان اسلام پردازند؛ در نتیجه، بسیاری از سرزمین‌های اسلامی در این جنگ‌ها و کشمکش‌ها به ویرانه تبدیل شد. رسانه‌های کشورهای استعماری هم از این فرصت استفاده کردند و خشونت‌های آنان را به نام اسلام در دنیا پخش نمودند، به طوری که تا امروزه بسیاری از مردم جهان وقتی نام اسلام را می‌شنوند آن را با سر بریدن، ویران کردن و جاهلیت مساوی می‌پندارند.

بررسی

اگر شخصی تصمیم بگیرد کاری را به خاطر خدا انجام دهد، اما نسبت به ارزش و عواقب آن کار معرفت نداشته باشد، چه نتیجه‌ای حاصل می‌شود؟

۲- تقویت روحیه حق‌پذیری: کسی که روحیه حق‌پذیری دارد و در مقابل حق تسلیم است به آسانی وارد مسیر بندگی می‌شود. زیرا افراد حق‌پذیر تابع دلیل هستند و وقتی عقل آنان حقیقتی را یافت، به دنبال آن می‌روند. اما کسانی که راه دریافت حق را بر خود بسته‌اند و به جای پیروی از عقل، از هوی و هوس پیروی می‌کنند، وقتی خیرخواهی اطرافیان و دوستان را می‌شنوند، دست به انکار می‌زنند و با گفتن «دل نمی‌خواهد» راه رسیدن به حقیقت را بر خود می‌بندند. اینان توجه نمی‌کنند که دو ندامت، دل‌راه‌سوی خود دعوت می‌کند: ندایی از عقل و ندایی از هوس و این ندای هوس‌های زودگذر است که آنها بدان پاسخ گفته‌اند.

امیرالمؤمنین این رابطه را به زیبایی توضیح می‌دهد و می‌فرماید:

«عقل سپهسالار لشکر خدای رحمان است و هوی را هبر لشکر شیطان، و انسان کشیده شونده میان آن دو. پس هر یک از این دو چیره شود، انسان در جایگاه او قرار خواهد گرفت.»^۱

عقل → دل ← هوی و هوس

۳- راز و نیاز با خداوند و کمک خواستن از او: نیایش و عرض نیاز به پیشگاه خداوند و یاری جستن از او برای رسیدن به اخلاص، غفلت از خداوند را کم می‌کند، محبت او را در قلب تقویت می‌سازد

۱- «أَلْعَلُّ صَاحِبَ جَيْشِ الرَّحْمَنِ وَالْهَوَى فَاثِدُ جَيْشِ الشَّيْطَانِ وَالنَّفْسُ مُتَجَاوِزَةٌ بَيْنَهُمَا، فَأَيُّهُمَا غَلَبَتْ كَانَتْ فِي حَيْزِهِ» : عَزْرُ الْحَكَمِ،

و انسان را بهره‌مند از کمک‌های الهی می‌نماید.

۴- دوری از گناه و تلاش برای انجام واجبات: گناه، ریشهٔ درخت اخلاص و بندگی را

می‌سوزاند و آن را به تدریج از بین می‌برد، به همین جهت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می‌فرماید:

«تمام اخلاص در دوری از گناهان جمع شده است.»^۱

از طرف دیگر، ترک گناه و توجه به واجبات و اطاعت از خداوند، درخت اخلاص را آبیاری می‌کند و رشد می‌دهد. در میان اعمال واجب، روزه تأثیر خاصی در تقویت اخلاص دارد. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می‌فرماید:

«خداوند بدان جهت روزه را واجب کرد تا اخلاص مردم را بیازماید.»^۲

میوه‌های درخت اخلاص

۱- دستیابی به درجاتی از حکمت: حکمت، به معنای علم محکم و استوار و به دور از خطاست

که هدف درست و راه رسیدن به آن را نشان می‌دهد و مانع لغزش‌ها و تباهی‌ها می‌شود. انسان حکیم، به درجاتی از بصیرت و روشن بینی می‌رسد که می‌تواند در شرایط سخت و پیچیده، حق را از باطل تشخیص دهد و گرفتار باطل نشود.^۳ خداوند در قرآن کریم، علاوه بر آن که لقمان را به داشتن حکمت، توصیف کرده، سفارش‌های ارزنده و حکیمانه‌ای از ایشان نقل کرده است.^۴

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید:

«هرکس چهل روز کارهای خود را خالصانه برای خدا انجام دهد، چشمه‌های حکمت و معرفت

از دل و زبانش جاری خواهد شد.»^۵

۲- نفوذناپذیری در برابر وسوسه‌های شیطان: اگر انسان در اخلاص پیش رود، به مرحله‌ای

می‌رسد که دیگر فریب وسوسه‌های شیطان را نمی‌خورد و گرفتار دام‌های شیطان نمی‌شود؛ چراکه شیطان، خود اقرار کرده است که توانایی فریب دادن مؤمنان با اخلاص را ندارد.^۶

برو این دام بر مرغی دگر نه
که عنقا را بلند است آشیانه^۷

۱- «تمامُ الإخلاص تَجَنُّبُ الْمَعَاصِي» کنزالفوائد، محمدبن علی کراچکی، ج ۱، ص ۲۷۹.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲.

۳- امیرالمؤمنین علی (علیه السلام): عِنْدَ تَحَقُّقِ الْإِخْلَاصِ تَسْتَنْبِهُ الْبَصَائِرُ؛ به هنگام تحقق اخلاص، چشم بصیرت انسان، روشنی می‌گیرد. غُررالحکم، آمدی، حدیث ۶۲۱۱.

۴- سوره لقمان، آیه ۱۲.

۵- بحار الانوار، همان، ج ۶۷، ص ۲۴۳.

۶- سوره حجر، آیه ۴۰ و سوره ص، آیه ۸۳.

۷- غزلیات، حافظ، غزل شماره ۴۲۸.

یکی از اوصافی که خداوند در قرآن برای حضرت یوسف علیه السلام ذکر کرده، داشتن اخلاص و رسیدن به مقام مخلصین است.^۱

با بررسی آیات ۳۲ و ۳۳ سوره یوسف بگویید شیطان چه دامی برای حضرت یوسف علیه السلام گسترده بود و او چگونه توانست از این دام نجات یابد؟

شیطان امروزه نیز، از همان نوع دامی که برای کشاندن حضرت یوسف علیه السلام به گناه و فساد گسترده بود، به صورت‌های گوناگون برای انسان‌ها پهن کرده است تا هوس زودگذر آنها را تحریک کند و به گناه بکشاند و آنان را از بهشت جاویدان محروم سازد. فیلم‌ها، وبگاه‌ها، شبکه‌های ماهواره‌ای گمراه‌کننده، شبکه‌های مجازی ناسالم و گروه‌ها و دسته‌های منحرف اجتماعی از جمله این دام‌هاست که مقاومت در برابر آنها نیازمند روی آوردن به پیشگاه خداوند و پذیرش خالصانه فرمان‌های اوست. کسی که در چنین دام‌هایی گرفتار شود، هم زندگی پاک و با نشاط دنیا را از دست خواهد داد و هم حیات سرشار از شادکامی آخرت را.

۳- دریافت پاداش‌های وصف ناشدنی: بندگی خالصانه خداوند ثمراتی دارد که چه بسا در ذهن ما ننگند و از تصور و تخیل ما فراتر رود.

از جمله این پاداش‌های وصف ناشدنی، دیدار محبوب حقیقی و تقرب به پیشگاه کسی است که بنا به تعبیر امیرمؤمنان، «نهایت آرزوی عارفان، دوست دل‌های صادقان، ولی مؤمنان و معبود عالمیان است.»^۲ کافی است به زندگی زیبای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، امیرالمؤمنین علی علیه السلام، فاطمه زهرا علیها السلام و دیگر پیشوایان خود نظر بیفکنیم و ببینیم که چگونه از راه بندگی خالصانه خدا، این همه خوبی و زیبایی و آن مقام قرب و نزدیکی به محبوب را به دست آورده‌اند.

بندگی کن تا که سلطانت کنند	تن رها کن تا همه جانت کنند
همچو سلمان در مسلمانی بکوش	ای مسلمان تا که سلیمانت کنند
خوی حیوانی سزاوار تو نیست	ترک این خو کن که انسانت کنند
چون نداری درد، درمان هم خواه	درد پیدا کن که درمانت کنند
بنده شیطانی و داری امید	که ستایش همچو یزدانت کنند؟ ^۳

۱- سوره یوسف، آیه ۲۴.

۲- دعای کامل.

۳- خزائن الاشعار، سیدعباس جوهری.